



# ”آموزش رهایی“ ما نمی ترسیم! مظفر محمدی

بسته اند، تفاوتی بس بزرگ دارد. خیزش دیماه ۹۶، اعتصاب پرشور کارگران هفت تپه، دختران خیابان انقلاب و امروز خیزش معلمان و بازنشستگان یکی پس از دیگری جامعه ایران را از دوران انتظار و امید به تغییر از بالا و به اعتدال و گشایش اقتصادی و سیاسی و به ناچیان از آنطرف قاره ها و اقیانوس ها عبور کرده و تنها و تنها به نیروی طبقاتی کارگر، عقلانیت و روشن بینی معلم و جسارت و اراده زنان و دختران جوان تکیه کرده است. صفحه ۲

توانای جنبشی طبقاتی و اجتماعی است که هم گلوی جمهوری اسلامی را می فشارد و هم تلاش های مذبحانه دول امپریالیست و مرتجعین منطقه را به ریشخند می گیرد. جدالی است که راهش را از هیاهوی جهان کنیف بورژوازی لجام گسیخته از تهران تا تل آویو و اشنگن و مقر اتحادیه اروپا و سازمان ملل و زوزه های حقوق بشری شان جدا کرده است. این دوره با زمانی که گفته می شد مردم ایران از فرط استیصال به حمله نظامی امریکا و اسرائیل دل

خیزش دیماه ۹۶، اعتصاب پرشور کارگران هفت تپه، دختران خیابان انقلاب و امروز خیزش ۲۰ شهریور معلمان، این ها نقاط عطف تاریخ جدال محکومین و حاکمان در ایران است. این جدال در شرایطی است که عربده تهدیدات ترامپ و زوزه حقوق بشری او و سازمان ملل و اتحادیه اروپایشان و موشک های زمینی و هوایی جمهوری اسلامی و دولت صهیونیستی اسرائیل در سوریه و جولان جریان دارد. جدال محکومین در ایران دستان

## رویدادهای سیاسی هفته

خروج آمریکا از ”برجام“،  
انتقال سفارت آمریکا در اسرائیل،  
ستاره امسال ”یورو ویژن“



ثریا شهابی

خروج آمریکا از ”برجام“

خروج یک جانبه آمریکا به رهبری ترامپ از توافقات موسوم به ”برجام“ حلقه ای در زنجیره یک سیاست شناخته شده بورژوازی آمریکا است. این اقدام که بازتاب تقابل و فاصله هئیت حاکمه آمریکا با متحدین قدرتمند سابق بخصوص در اروپا، و بخصوص علیه رقبای قدرتمند امروز روسیه و چین است، حلقه دیگری از زنجیره تقابل های جهان چند قطبی است. جهان چند قطبی که علیرغم تمایل آمریکا و در مقابل منافع آن، بالفعل شکل گرفته است.

بورژوازی آمریکا دو دهه است که تلاش میکند که در مقابل و علیه شکل گرفتن جهان چند قطبی موجود، رو به احیا موقعیت منحصر بفرد گذشته جدال کند. جدالی که پس از تخریب چند جامعه چند میلیونی در خاورمیانه و باطلاق و قتل گاه های بجا مانده از آن، ناکام مانده بود، بار دیگر توسط آمریکا به بهانه ”برجام“ و ”کیس ایران“ سر باز کرد.

## سیلی محکم!

مظفر محمدی

**رفاه و آزادی بدون احساس امنیت. بدون زندگی در شرایطی امن. که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب. و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع. به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند. ممکن نیست. بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی. که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند. تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست.**

حکومت کارگری

برابری

آزادی

کسانی که فکر می کنند زوزه های ترامپ و عربده کشی های فرماندهان سپاه و رهبر کبیرشان بار دیگر این نیروی عروج کرده طبقات و اقشار محروم و انقلابی را زمین گیر کرده و بار دیگر به انتظار و استیصال کشانده و خانه نشین می کند، سخت در اشتباه اند. این سمی است که نباید گذاشت، فرصت طلبان و بورژوازی حاکم و اپوزیسیون مفلوک که منتظرند از نمد جنگ روانی، برای خود کلاهی بدوزند، به جامعه به پا خواسته ما تزریق کنند. خیزش محرومان با شعار نان، رفاه و آزادی، در حال "آموزش رهایی" است. رهایی از فقر، بیکاری، بی دارویی، بی مسکنی، و استبداد. دشمنانی که ما را از فروپاشی جمهوری اسلامی می ترسانند، از سوریه ای شدن ایران می ترسانند، از تمکین و به سکوت کشاندن مردم می ترسانند، آموزش رهایی را دستکم می گیرند. طبقه کارگر و زحمتکش محروم و محروم، در مدرسه اعتراض و اعتصاب و خیزش و در علم کردن حجاب بر چوبه های دار، آموخته و می آموزند که توان رهایی جامعه از تهدیدات خارجی و تنگ کردن فضا با جنگ های روانی ترامپ و خامنه ای و سرداران سپاه و حملات زیبنانه به اعتصاب کارگران و معلمان و دختران انقلاب... را دارند.

صف میلیونی محکومین و محرومان و پایینی ها به مخاطرات دشمنان بیرونی و درونی آگاه است. اما این بار این صف به پا خاسته زانوی غم و ترس و استیصال و انتظار را بغل نمی گیرد. ما در عین حال به محدودیتها و کمبودهای خود آگاهیم. ما آگاهیم که هنوز صف ما بهم فشرده نشده است. ما در شعار "کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد"، نشان دادیم که به تحقق این امر حیاتی مثل نان شب محتاجیم. ما می آموزیم و آموختیم که بیگدار به آب نزنیم. ما آموختیم که رهبران خود را مثل مردمک چشم حفظ کنیم. ما به دشمن آموختیم که اگر عبدی ها و شهابی ها و صالحی ها و صمدی ها و شریفی ها ... یمان را پشت میله های زندان نگه داشته اند، اما هفت تپه و شرکت واحد و تشکل و همبستگی معلمان و بازنشستگان و دختران انقلابی تمام قد ایستاده بر سکوهای آزادی را، نمی توانند پشت میله ها و دیوارها نگه دارند. رهبران و کمونیست های طبقه کارگر ایران، با پوست و گوشت و استخوان نیاز اتحاد کارگر، تشکیلات مستقل کارگری و کمیته های کارگری را در مراکز کار و محلات شهرها لمس کرده اند. تحقق و عملی کردن این نیاز اولین خشتهایی است که طبقه ما و محکومان و محرومان جامعه، در مدرسه "آموزش رهایی" در اعتراضات توده ای و

اعتصابات کارگری و خیزش های اجتماعی رهبری شده و سازمان یافته، رویهم می گذارند. بگذار دشمنان ما تا می توانند زوزه بکشند، تهدید کنند، ما را از فروپاشی بترسانند، سوریه و لیبی و عراق را با انگشت به ما نشان دهند... ما به همه توطئه و نقشه های شوم دشمن آگاهیم. ایران بپاخاسته، راهی را دارد طی می کند که همسرنوشتان ما در سوریه و لیبی و عراق نتوانستند بروند و اسیر دشمن شدند. ما می دانیم که جمهوری اسلامی، علیرغم عربده کشی هایش در ایران و سوریه و یمن و لبنان ...، صلاحیت، مشروعیت و لیاقت دفاع از حقوق و آزادیها و امنیت جامعه ما را ندارد. ما به خامنه ای و سرداران سپاه و حزب اللهی های چموش می گوئیم این موشکهای دوربرد شما، حزب الله لبنان و لشکر فاطمیه و حشد شعبی و حوثی های شما نیست که امنیت جامعه ما را حفظ می کند. شما خود اصلی ترین عامل ناامنی جامعه ایران هستید. حدود نیم قرن است تهدیدی بر بالای سر ما و نان سفره ما و داروی مریض های ما هستید. شما عامل کشتار جمعی و فقر و فلاکت و تحقیر و اعتیاد و فحشا در جامعه ما هستید. توان ما برای دفاع از امنیت جامعه مان نه موشکها و سپاه و سگهای بسیجی شما است که دختران را با چوبدستی نازک از سکوها

پایین می کشید، کارگران را به شلاق می بندید، معلمان را ضرب و جرح می کنید و رهبران و فعالین کارگری و اجتماعی را زندانی می کنید، توان ما سنگرهای است که دیروز همسرنوشتان ما در ویتنام در برابر ماشین عظیم جنگی امریکا و متحدینش کردند و سرافکننده و خجالت زده فراریشان دادند. ما را از امریکا و اسرائیل ترسانید تا بلکه یک دهه دیگر بر جامعه مان خاک مرده بپاشید. ما نمی ترسیم. ما از خیزش دیمه به بعد و تاکنون هر روز به اندازه یک سال و بیشتر راه رهایی را می آموزیم. ما نمی ترسیم! این پیام را خیزش دیمه به گوش جهانیان رساند و امروز کارگران و معلمان و بازنشستگان و دختران انقلابی و زنان برابری طلب با صدای رسای نان، رفاه، آزادی و آموزش رهایی به جهان اعلام می کند که ما جدالهای طبقاتی و سیاسی و اجتماعی خود را می شناسیم. ما توان دفاع از امنیت و آزادی جامعه خود را در مقابل توطئه های دشمنان خارجی از طرفی و تلاش سرکوبگرانه و مایوسانه جمهوری اسلامی از طرف دیگر را داریم. سنگر دفاع از جامعه در مقابل جبهه دشمنان خارجی و داخلی، جبهه ما، صف ما، طبقه ما، کارگران و معلمان و زنان و دختران انقلابی ما است. این سنگر را به وسعت طبقه

کارگر و محرومان و محکومان، عمیق تر، گسترده تر و محکم تر می کنیم. فرماندهان و رهبران و آموزگاران صف ما کم نیستند. کمونیسم ما مثل ستاره ای درخشان در آسمان جامعه می درخشد. کمونیست ها ستون فقرات جنبش اتحاد کارگر، معلم، دانشجو و دختران انقلابی و زنان برابری طلب اند. این وظیفه تاریخی امروز بر دوش کمونیسم طبقه ما قرار گرفته است. بدون کمونیسم، بدون خطر سوسیالیسم، نه تنها جامعه ما بلکه جامعه جهانی بیشتر و بیشتر به منجلا ب می غلطد. کمونیسم را ابزار مبارزه طبقاتی و اجتماعی و توده ای خود می کنیم. این شانس را امروز طبقه کارگر و جامعه بپاخاسته ایران، بیش از هر جای دنیا دارد. این شانس را از دست نمی دهیم!

اردیبهشت ۹۷ (مه ۲۰۱۸)

حکمتیت را

توزیع و

پخش کنید

## رویدادهای سیاسی

تصمیم ترامپ که با مخالفت گسترده متحدین سنتی آمریکا در سازمان ملل و اتحادیه اروپا و حتی طیفی از سیاستمداران آمریکا روبرو شده است، مستقیماً در مورد ایران نیست، هرچند که ایران و برجام اصلی ترین بازیچه و ابزار مورد استفاده آن است! هرچند که بازتاب عواقب آن، از تحمیل گرانی و بی‌تامینی و تعمیق فقر و فلاکت بیشتر، ایجاد هراس و رشد فضای ناسیونالیستی، بیش از همه گریبان مردم در خاورمیانه و در ایران را میگیرد و فی الحال گرفته است. مخالفت اروپا با این تصمیم هم ربطی به علاقه اروپا و روسیه به حفظ ثبات در خاورمیانه ندارد! این قدرت ها، آرایش موجود را، در راستای منافع خود میدانند. این اقدام، هرچند فرمان آن از حنجره لیمپ میلیاردی چون ترامپ شنیده میشود و جهانی را زیر فشار روانی خطر جنگ و گسترش ناامنی قرار میدهد، اما بطور واقعی حلقه ای است از سیاست های این دوره بورژوازی آمریکا برای تغییر توازن قوا میان خود و رقبای جدید، روسیه، چین و متحدین سابق در اتحادیه اروپا و در خاور دور.

بورژوازی آمریکا، در بن بست حفظ وضع موجود، تحت فشار ناتوانی در پاسخ به نیازهای شهروندان در خود آمریکا، در تنگنا تناقضات سیاسی و

اقتصادی داخلی و ناتوانی از رقابت اقتصادی با چین، ابزار و راه نجات دیگری، جز ایجاد فضای میلیتاریستی و دامن زدن به هراس، ندارد. اعتراضات و غرولند کردن های این و آن طیف از سیاستمداران در آمریکا در مورد نحوه بیان و هراس شان از عواقب سیاست های ترامپ، بخصوص نگرانی شان در تغییر سریع صف بندی و آرایش جهانی، تغییری در این واقعیت نمی دهد که ترامپ تنها نماینده بورژوازی آمریکا برای تداوم و اجرای سیاست های خارجی دو دهه گذشته آمریکا است.

جدایی یک جانبه آمریکا از توافقات مشترک با اروپا بر سر ایران، برجام، از جنس تلاش برای محاصره اقتصادی قطر، اختراع شکاف "امی" با کره شمالی است که عمر آنها کمتر از عمر فصلی از فصول سال بود. این حلقه ای در زنجیره تلاش بورژوازی و هیئت حاکمه آمریکا، برای پیشروی به سمت گذشته است. گذشته ای که در آن آمریکایی که در جنگ سرد بر قطب مقابل پیروز شده بود، آمریکایی که بعنوان نماینده "جهان آزاد" در مقابل "جهان توتالیتیر" ظاهر شد، همچنان بعنوان تنها قطب و ابرقدرت جهانی بر صندلی و مسند ریاست جهان "آزاد" شده، باقی بماند!

تنها ابزار حفظ این موقعیت بریاد رفته، بلافاصله پس از پیروزی در جنگ سرد، دیگر

نه صدور "حقوق بشر" و "سپاه دانش" و "سپاه بهداشت"، ایدیولوژی و اخلاقیاتی که "کارت" های در مقابل داعیه های عدالتخواهانه کمپ شوروی بود، که صدور ترس، ارعاب، نشان دادن قدرت میلیتاریستی و قلدری و توان تخریب و رها کردن افسار مافیایی ترین گروه های ضدبشری قومی و مذهبی در جهان است.

باطلاق خاورمیانه، عراق و لیبی و سوریه، فازهای "جدی"، سرمایه گذاری های "جدی" تر این تلاش ها بود که شکست خورد! به بهای نکبت و مرگ و تخریب و فرار دهها میلیون مردم بیگانه در خاورمیانه، شکست خورد!

تصمیم آمریکا به جدایی از "برجام"، نه در مورد اختلاس و فساد و حیف و میل پول های دریافتی پس از برجام توسط جمهوری اسلامی ایران و سپاه و .. است، نه در مورد مشکلات اقتصادی و گرانی! این اقدام نه در مورد لغت و لیس و "ریخت و پاش" های رایج سران نظام برای حفظ "مصالح نظامی و سیاسی و ایدیولوژیک" حکومت در منطقه است و نه اقدامی است در حمایت از اعتراضات مردم و دفاع از تعرض محکومین از پایین نگرانی از "خطر هسته ای" و "امنیت منطقه، از منظر هیئت حاکمه آمریکا، در این میان مطلقاً جایی ندارد!

جهانیان دغدغه های دولت های مختلف آمریکا در تعمیق

تخریب و انهدام و باطلاق سازی در خاورمیانه را تجربه کرده اند! منافع آمریکا در منطقه و در جهان، با ثبات و امنیت منطقه و جهان تناقض دارد. جهان هرچه ناامن تر و بی ثبات تر، میدان عمل بورژوازی آمریکا بازتر و فعال تر! مشکل آمریکا، ناتوانی در تامین هژمونی بر قدرت ها و متحدین قبلی، در تحرکات میلیتاریستی و مخرب این دوره است.

اگر فصل قبل، متحدین آمریکا در همسایگی کره شمالی حاضر به شرکت در جنگ نیابتی جدید آمریکا در خاور دور نشدند و پرونده کره شمالی را عقیم گذاشتند، از این رو است که پروژه های راه اندازی جنگ های نیابتی توسط دولت های حاکم، پروژه ای شکست خورده است. بورژوازی این کشورها میخواهند جامعه ای باشد که طبقه شان بتواند به سود و سودآوریش ادامه دهد. نسخه لیبی و سوریه ای و عراقیزه کردن مناطق جدید در آسیا و آفریقا، و حتی در خاورمیانه، در ان ابعاد، سوخته است.

بورژوازی آمریکا، سیر انزوا، فاصله از قدرت های اصلی و سنتی و تکیه یک جانبه به متحدینی چون اسرائیل و عربستان و امارات و بحرین و دولت های اروپای شرقی، را طی میکند. قد و قواره متحدین امروز، و پشت کردن به متحدین قدرت مند دیروز، تصویری از آینده "آب رفته"

پیکره کوچک رییس جهان آزاد را نشان میدهد.

در این میان، پروپاگاندا وسیع و فضای اشباع شده رادیو و تلویزیون و شبکه های اجتماعی اپوزیسیون ایرانی راست پروترامپ، و سرمایه گذاری بر پروژه های "نجات میهن" در این جدال، که امروز بیش از پیش رنگ باخته است، مطلقاً چیزی در مورد دلایل این تصمیم، عواقب آن نمی گوید.

این پروپاگانداها تنها و تنها بی افقی و استیصال نیروهای راست پروغرب در اپوزیسیون و سرمایه گذاری و شرط بندی بر سر میز قمار "برد و باخت" تحرکات هئیت حاکمه آمریکا در منطقه و در مورد ایران، را بازتاب میدهد.

علیرغم تبلیغات اپوزیسیون راست حکومت ایران، هئیت حاکمه آمریکا حتی بدنبال "رژیم چینج" در ایران نیست. امیدها و آرزوهای دستجات و احزاب قومی و مذهبی در اپوزیسیون، ایجاد فضای نوستالژی احیا گذشته و بازگشت به سلطنت خاندان پهلوی، در این میان تنها و تنها چاشنی ماجرا است. احیا سلسله سلطنت خاندان پهلوی در فردای سرنگونی یا فروپاشی رژیم، همانقدر دورازذهن و غیرمعقول است که بازگشت سلسله قاجار!

واقعیت این است که پیش لریزه ای در رابطه آمریکا با اروپا، به بهانه کیس ایران و برجام، صفوف بورژوازی جهانی را لرزانده است. ارتعاش این پیش

## رویدادهای سیاسی

لرزه ها، تلاش هایی است برای احیا موقعیت برباد رفته بورژوازی آمریکا و حفظ موقعیت امروز آن! این پروژه شکست خورده است! با این وجود مهر عواقب مخرب و ضدانسانی آن میتواند برای همیشه بر زندگی نسل هایی از شهروندان بخصوص در خاورمیانه هولناک باشد. فضای هراس و احساس ناامنی و ارعابی که در دل شهروندان در سراسر جهان ایجاد کرده است، از خود این تلاش ها مخرب تر است، اگر میدان تنها در اختیار بورژوازی و نمایندگانشان در قدرت در اروپا و آمریکا و کشورهای خاورمیانه باشد. شواهد، تحرکات اعتراضی در کشورهای اروپایی و در آمریکا، اعتراضات رو به گسترش در ایران که حکومت های خودی را منشا فقر و فلاکت و بی حقوقی و بیکاری و بی مسکنی و بی دارویی و .. خود میداند، اما خلاف این را نشان میدهد. این نیرو میتواند ورق را در همه کشورها به سمت دیگری برگرداند! به سمت تقابل محرومین با حاکمیت ها در کشورهای خود!

### “یوروویژن” خاورمیانه ای

**انتقال سفارت آمریکا در اسرائیل،**  
خبر منتشره: “سفارت آمریکا در اورشلیم افتتاح شد! به رغم اعتراضات گسترده فلسطینیان، ساختمان جدید سفارت آمریکا

در اورشلیم) بیت المقدس (افتتاح شد. افتتاح این سفارتخانه مصادف است با ۷۰مین سالروز تولد دولت اسرائیل. ده ها نفر از معترضان در نوار غزه کشته شده اند.”  
انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به اورشلیم اعلام رسمی پایتخت بودن اورشلیم از نظر آمریکا است. این تصمیم که با اعتراض فلسطینی ها و کشتار و جنایات اسرائیل روبرو شدند، تنها حلقه ای از حل مسلیه فلسطین نیست که پیش از پیش اسرائیل را در کنار آمریکا ایزوله و حلقه دیگری از شکاف امریکا با اروپا و تکیه بر متحدین کوچک تری چون اسرائیل است.  
افول قدر قدرتی آمریکا، افول مشروعیت دولت اسرائیل هم هست. از این پس خاورمیانه بر سر مسله فلسطین قطبی تر خواهد شد. جنایات و تعرض بیشتر به حق انکار ناپذیر و تاریخی فلسطینیان، علاوه بر فلسطین، دولت اسرائیل را هم با خود به گرداب خواهد کشاند!  
عمر هلهله شادی بازگشایی سفارت آمریکا در اورشلیم و همزمانی آن با هفتادمین سال تاسیس اسرائیل، کوتاه خواهد بود.  
“یوروویژن” خاورمیانه ای  
خبر منتشره: “اسرائیل پس از ۲۰ سال بار دیگر برنده رقابت های یوروویژن شد. اسرائیل این پیروزی را که مقارن با هفتادمین سال تاسیس این کشور به دست آمده است،

با اهمیت بسیار زیاد تلقی کرده به ویژه آنکه سال آینده رقابت یوروویژن باید در اورشلیم برگزار شود.”  
چاشنی مهوع این صحنه درهم ریخته جهانی، این نمایش دروغ و ریا و قلدری و بازی با سرنوشت میلیون ها نفر، نتایج مسابقه خوانندگی “یوروویژن” است! مسابقات خوانندگی اروپا، که بنحو مسخره ای استرالیا و اسرائیل هم در آن شرکت دارند، و برنده شدن “تصادفی” و همزمان خواننده اسرائیلی با نقل مکان سفارت آمریکا به اورشلیم و فشار لابی صهیونیستی در هیت حاکمه آمریکا، خود گویای بی طرفی و هنری بودن مضحکه “یوروویژن” و مسابقات جهانی امروز و جوایز مربوطه است!  
وقاحت بازی های سیاسی و دیپلماتیک و بازی های سیاسی در المپیک ها و راه دان ها و ندادن های کشورها و جایزه دان ها و ندادن ها، بیش از آن است که امروز تشخیص نتایج این مضحکه ها از پیش نامعلوم باشد. بورژوازی غرب به رهبری آمریکا، در فرهنگ و سیاست و اخلاق و ایدئولوژی پیکر تماما گندیده خود را تمام قد در معرض دید همگان قرار داده است.  
اگر در جنک سرد، بورژوازی غرب و اقتصاد بازار آزاد، در مقابل داعیه های عدالتخواهانه سوسیالیستی حاکم بر فضای جهان، میتوانست رنگ و لعاب انسانی، آزادانه و متمدانه به خود بگیرد، پس از پایان آن

۱۴ مه ۲۰۱۸

## برابری زن و مرد؛ ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگردد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که باین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدر میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکنند. ...

یک دنیای بهتر؛ برنامه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

**سیلی محکم!**

عشایر و قبایل و مذاهب و اقوام در سراسر عراق اجماع کردند تا در یک نمایش به شدت ارتجاعی و مسخره به نام انتخابات بر سر تقسیم قدرت و ثروت با هم کنار آیند. هنوز بر سر اینکه سهم کدام عشیره و مذهب و قوم از ثروت و قدرت بیشتر از دیگری باشد، کشمکشهای زیاد و چه بسا خونینی در پیش خواهند داشت. اما این نمایش تهوع آور دمکراسی قومی و مذهبی، از طرف اکثریت مردم عراق نفی شد. اکثریت مردم عراق در این توطئه شرم آور شرکت ننموده، به آن پشت کرده و به ائتلاف و توطئه روسای اقوام و مذاهب سیلی محکم زدند. در نتیجه، از همین امروز پارلمان و دولتی به نام منتخب مردم عراق در قاموس همان دمکراس بورژوازی هم فاقد مشروعیت است و از جانب ۷۰ درصد شهروندان عراقی که به آن رای ندادند غیررسمی و مردود است. در این میان نقش ناسیونالیستهای کرد در مسابقه ای شرم آور به نام انتخابات و "افتخار" کشاندن ۵۰ درصد مردم محروم کردستان به پای صندوقهای رای پارلمان قومی و مذهبی عراق، لکه ننگ و خیانت دیگری بر پیشانی

احزاب ناسیونالیست کرد است. احزابی که مردم محروم و ستمدیده کردستان را که همین دیروز با چشمان خود عبور تانکهای حشد شعبی سپاه قدس و ارتش دولت فاشیستی بغداد را بر اجساد فرزندان خود و دامن زدن به کینه قومی و تبعیض نژادی و تفرقه قومی و ناامنی ساکنین کرکوک و خانقین و دوزو خورماتو و شنگال را شاهد بودند و هستند، به پای صندوقهای رای کشاندند، مجرم اند. این مجرمین، ننگ سیاست و عمل ضد مردمی خود را هم در دامن رای دهندگان ناآگاه گذاشتند. رای دهندگان به پارلمان عراق همان کسانی هستند که همین دیروز رای به استقلال کردستان داده بودند. این چرخش ۱۸۰ درجه ای نه گناه مردم ناآگاه بلکه جرم احزاب قومی و بورژوازی غاصب و غارتگر نان سفره همین مردم است. مخالفین چپ و راست استقلال کردستان به بهانه های احمقانه و ارتجاعی هم، تف سربالایی به رسمیت نشناختن رای مردم کردستان به آزادی و استقلال را بر صورت خود دارند که به سادگی قابل شستن و پاک کردن نیست!

اینکه سرنوشت طبقه کارگر و مردم زحمتکش عراق تا چه زمانی بازیچه اقوام و مذاهب و منافع جمهوری اسلامی و حشد

شعبی اش باقی می ماند یا راه رهایی اش در پیش خواهد گرفت، بخش آگاه جامعه عراق باید پاسخ دهد. اما صرف نظر از اینکه پارلمان عراق و دولت فاشیستی برآمده از آن پا بگیرد و دوام بیاورد یا نه، راه کارگران و مردم کردستان که رای به جدایی کردستان از فدرالیسم قومی و فاشیسم عشیرتی- مذهبی عراق و سلطه سیاسی و نظامی سپاه قدس جمهوری اسلامی دادند، راهی بی برگشت است. جنبش آزادی و استقلال کردستان کماکان بر جدایی راه خود از فدرالیسم شکست خورده و آبروباخته و انتخابات و پارلمان نامشروع و ضد مردمی عراق پافشاری می کند. این جنبش نه انتخابات شکست خورده و نه بازسازی پارلمان کارتنی دیگر و دولت برخاسته از آن را برسمیت می شناسد. تنها راه شرافتمندانه و رهایی بخش پیشروی کارگران و زحمتکشان، معلمان، پرستاران و پیشمرگان کردستان، تقویت و گسترش و تحکیم جنبش خود، جنبش آزادی و استقلال کردستان است.

۱۳ مه ۲۰۱۸

**شعبه حکمت****حزب حکمتیست (خوردار)****www.hekmatist.com**

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

**مجلسی با حزب**

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

مبارزه ما برای برابری و رفع تبعیض در متن جوامع سرمایه داری موجود جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.

**سایت آرشیو****مجموعه آثار****منصور حکمت****http://hekmat.public-archive.net/****زنده باد سوسیالیسم****مرکز بر جمهوری اسلامی**